گوشه ی چشم حافظ به غزلی از مولانا

ایرانفر، محمد

در کلیّات شمس تبریزی،غزلی 17 بیتی‏ست به مطلع:ربود عقل و دلم را جمال آن عربی/درون غمزه‏ی مستش هزار بو العجبی؛خواجه شیراز در استقبال از غزل مولانا،غزلی در همان‏ وزن و بحر سروده است:

اگرچه عرض هنر پیش یار بی‏ادبی‏ست‏ زبان خموش و لیکن دهان پر از عربی‏ست

حافظ در این غزل هشت بیتی،از قوافی مولانا سود جسته،با این‏ تفاوت که با فعل«است»،غزل خود را مردّف نیز ساخته است.در اکثر دیوان‏های تصحیح شده‏ی حافظ،از جمله خانلری،سلیم‏ نیساری،ذوالنور،خرمشاهی و...با اختلاف در ترتیب و توالی ابیات‏ غزل فوق در هشت بیت نگاشته شده است،به استثنای دیوان‏ مصحح انجوی که ده بیت است و دو بیت اختلافی آن بدین‏گونه‏ است:

دوای درد خود اکنون از مفرّح جوی‏ که در صراحی چینیّ و شیشه‏ی حلبی‏ست‏ حسن زبصره،بلال از حبش،صهیب از روم‏ زخاک مکه ابو جهل،این چه بو العجبی‏شت‏1

در مصرع دوم بیت:هزار عقل و ادب داشتم من ای خواجه...؛ زنده یاد انجوی به جای کلمه‏ی صلاح از واژه‏ی صلای‏2استفاده‏ کرده‏اند که به نظر درست‏تر از صلاح می‏نماید.

حافظ بیت دوم غزل مولانا را با تبدیل«چو»به«که»و افزودن‏ «است»به پایان مصراع دوم،به عینه در غزل خود به شکل تضمین‏ مبهم‏3آورده است.

مفهوم بیت سوم غزل مولانا در غزل حافظ به شکل زیر دگردیسی یافته است:

سبب مپرس که چرخ از چه سفله‏پرور شد که کام‏بخشی او را بهانه بی‏سببی‏ست

مصرع دوم بیت ششم مولانا:به پیش عقل محمد،پلاس‏ بولهبی با تغییر در شعر حافظ این‏گونه آمده است:چراغ مصطفوی با شرار بولهبی‏ست.

بیت دهم غزل مولانا،چه چاره دارم؟غماز من هم از خانه‏ست...،در غزل شماره‏ی 333 حافظ قزوینی-غنی به مطلع: نماز شام غریبان چو گریه آغازم/به مویه‏های غریبانه قصه‏پردازم، به شکل زیر مورد استقبال قرار گرفته است:

سر شکم آمد و عیبم بگفت روی‏به‏روی‏ شکایت از که کنم؟خانگی‏ست غمّازم

غزل فوق هم بر همان وزن و بحر غزل مورد بحث مولاناست. منهای ملمّعات به کار گرفته در غزل مولانا،استفاده‏ی حافظ از ترکیباتی نظیر بو العجبی،باده‏ی عنبی و شیشه‏ی حلبی مسلّم می‏دارد که غزلش در استقبال و تضمین از غزل مولانا سروده شده است.

حافظ از اشعار شاعران متقدّم و معاصر خود،از قبیل نظامی، انوری،خاقانی،سعدی،عطار،اوحدی،عماد فقیه،خواجوی کرمانی، سلمان ساوجی و ده‏ها مورد دیگر استقبال و تضمین فراوان به عمل‏ آورده است،بدون این‏که نامی از آن‏ها به میان آورد.مورد استثنایی‏ فقط ذکر نام کمال الدین اسماعیل اصفهانی‏ست؛در قصیده‏یی در مدح شاه منصور مظفری آن‏جا که می‏گوید:از گفته‏ی کمال دلیلی‏ بیاورم.

در شعر حافظ موارد دیگری هم هست که نشان می‏دهد از اشعار مولانا استقبال و استفاده‏ی بهینه نموده است.از جمله در یادداشت‏های شادروان دکتر قاسم غنی آمده است:4ملای رومی‏ غزلی دارد(هله ساقی قدحی ده زمی رنگینم)که شاید حافظ به‏ استقبال آن رفته باشد.(حالیا مصلحت وقت در آن می‏بینم).

غزل مولانا در حول و حوش یک دیالوگ(گفت‏وگوی)نه چندان‏ مشکل دور می‏زند که هسته‏ی مرکزی آن در موضوع عشق خلاصه‏ می‏شود.

از نظر صور خیال،غزل مولانا آراسته به آرایه‏های نظیر مجاز در غمزه‏ی مست است که چشم مست و مخمور را تداعی می‏کند،غمّاز که استعاره از اشک است،پلاس بولهبی کنایه از حیله‏گری و چند تشبیه ملمّع،جناس،مراعات نظیر و تلمیح است.

غزل حافظ با آن‏که از حجم و کمیت نازل برخوردار است،ولی از حیث محتوا و اشراف بر موضوعات مذهبی،سیاسی و اجتماعی، طیف وسیع‏تری را از حیث کیفیت دربرمی‏گیرد.

از دیدگاه صور خیال،غزل حافظ هم‏سنگ غزل مولاناست،با این برتری مشهود که در غزل مولانا از ایهام خبر چندانی نیست، حال آن‏که در بیت:جمال دختر رز نور چشم ماست مگر/که در نقاب زجاجی و پرده‏ی عنبی‏ست؛سه ایهام تناسب زیبا در دختر رز و نقاب زجاجی و پرده‏ی عنبی به چشم می‏خورد.5

پی‏نوشت‏ها

(1)-دیوان حافظ به تصحیح سید ابو القاسم انجوی شیرازی،انتشارات جاویدان، تهران،چاپ نهم،1376.

(2)-صلا:فریاد کشیدن.

(3)-تضمین مبهم:آن است که‏ شعر تضمین شده و نام شاعر آن‏چنان معروف باشد که شاعر نیازی به اشاره کردن‏ به آن نبیند.

(4)-یادداشت دکتر قاسم غنی در حواشی دیوان حافظ،به کوشش‏ اسماعیل صارمی،انتشارات علمی،تهران،چاپ دوم،1366،ص 40.

(5)-حافظنامه،بخش اول نوشته‏ی بهاء الدین خرمشاهی،شرکت انتشارات علمی‏ و فرهنگی،تهران،چاپ هفتم،1375،ص 343.